

نمایندگان ملت دریابند که این بار مردم خواهان رابطه تازه‌ای با منتخبان خود هستند و به‌همین دلیل این رابطه تازه را دقیقاً از جایی آغاز می‌کنند که نمایندگی در معنای رسمی آن آغاز می‌شود یعنی تأیید یا رد اعتبارنامه‌های نمایندگان. مرحله تأیید یا رد اعتبارنامه‌های منتخبان توسط خود آنها در هر دوره مکمل فرآیند مقدس و با برکتی است که شورای نگهبان محترم با انجام نظارت استصوابی در تأیید یا رد نامزدی افراد متقاضی ورود در چرخه انتخابات و نمایندگی آن را به‌طور بنیادین و پایه‌ای آغاز می‌کند. اهمیت این مرحله تکمیلی در محدودیت‌هایی نهفته است که شورای نگهبان در انجام تام و تمام یا کامل بررسی صلاحیت‌های متقاضیان با آن مواجه است. این مرحله در عین آنکه می‌تواند کاستی‌های نظارت شورای نگهبان را تا حد ممکن بپوشاند، این کار را به شکلی انجام می‌دهد که به هیچ روی جنجال‌آفرینی‌هایی که با انجام آن غوغاسالاران، فشار شدیدی بر بررسی صلاحیت‌ها توسط شورای محترم نگهبان قانون اساسی وارد آورده و تا حدی آن را عقیم می‌گذارند، ممکن نیست؛ زیرا این کار به شکل درونی و توسط خود نمایندگان انجام می‌شود.

بنابراین، هدف اقدامی که در چارچوب طرح موضوعه در همین ابتدای شکل‌گیری مجلس جدید به همت صحابی عام انقلاب اجرا می‌شود، تأکید بر اهمیت تکمیلی، اما به‌شدت ضروری فرآیند تأیید و رد اعتبارنامه‌های منتخبان توسط جمع خود آنان برای دستیابی به مجلسی سالم و پاک است. باید تأکید کرد که با توجه به محدودیت‌های شورای نگهبان در غربالگری، انجام مرحله تکمیلی تأیید و رد اعتبارنامه‌های منتخبان توسط خود آنان ضرورتی اجتناب‌ناپذیر دارد تا مجلس عصاره فضایل ملت باشد. در این چارچوب کاری که صحابی عام انقلاب می‌تواند درصدد انجام آن باشد، آن است که با در نظر گرفتن اهمیت داشتن نمایندگانی سالم و پاک برای انجام درست وظایف نمایندگی و کارکرد درست مجلس، موضوع تأیید اعتبارنامه‌های منتخبان را از امری جزئی و حاشیه‌ای به امری محوری و کانونی بدل سازند. به این منظور در واقع هدف این است که این را به‌عنوان مطالبه‌ای عمومی درآورد که صداقت و سلامت مجلس از همان آغاز با نوع برخورد مجلس با اعتبارنامه‌های نمایندگان مشخص می‌شود. اگر افرادی که سوابق سوئی داشته‌اند، توسط نمایندگان تأیید و اعتبارنامه‌شان رای بیابرد، این مجلسی مبتنی بر معیارها و ضدفساد و تبعیض و علیه ظلم نیست و قطعاً بسته به میزان اختلال و نقصی که در این فرآیند تکمیلی به‌وجود آید، مجلسی خواهیم داشت که نه تنها در حل مشکلاتش دچار ضعف و نقصان است، بلکه به احتمال قوی برای جامعه و نظام نیز مشکل‌زا خواهد بود.

بیابید بگوئیم مجلسی پاک و پاک‌دست، سالم و سلامت‌آفرین و بدون لکه یا لکه‌های پلیدی و زشتی یا آلودگی و فساد بر چهره و دست‌وپای نمایندگان شکل دهیم.

## حسین کچویان، استاد جامعه‌شناسی دانشگاه تهران: جامعه را به‌صحن دوم مجلس بدل کنیم



کنونی انقلاب بود، به نمونه‌ای از آنچه می‌تواند در این چارچوب و در این آغازین مراحل شکل‌گیری مجلس انجام گیرد، اشاره

**هدف اقدامی که در چارچوب طرح موضوعه در همین ابتدای شکل‌گیری مجلس جدید به همت صحابی عام انقلاب اجرا می‌شود، تأکید بر اهمیت تکمیلی، اما به‌شدت ضروری فرآیند تأیید و رد اعتبارنامه‌های منتخبان توسط جمع خود آنان برای دستیابی به مجلسی سالم و پاک است**

تاریخی جامعه است. در حالت معمول و عادی قطعاً تعریف رابطه‌ای به این شکل میان صحابی انقلاب یا جامعه و مجلس می‌تواند مشکل‌ساز و منفی بوده و بازدارنده نیز باشد، اما در وضعیتی که جامعه‌ای انقلابی در حال شکل‌گیری و شکل‌دهی به کلیت یک حرکت انقلابی تاریخ‌ساز است، تعریف چنین رابطه‌ای یکی از معدود شکل‌های ممکن رابطه میان مجلس و نیروهای انقلاب است که امکان عملکرد درست مجلس و انجام اهداف مربوط به آن در این شرایط تاریخی را می‌دهد و مانع از شکل‌گیری مجدد وضعی خواهد شد که پیش از این شاهد بوده‌ایم. این رابطه بالاخص از منظر اقتضانات خاص گام دوم انقلاب، ضرورتی مضاعف می‌یابد، زیرا گام دوم اساساً تعریف و ماهیتی خاص و ممتاز نسبت به مرحله فاقد مهار پیشین خود دارد.

بعد از این مجمل که صرفاً بیان طرح گونه‌ای از الزامات و استرازمات عملکرد درست مجلس مطابق اقتضانات خاص

پیروزی جبهه انقلابی در انتخابات مجلس باید با کنشگری فعالانه و انتقادی عمومی تکمیل و تقویت شود. راه هدایت انتقادی منتخبان، تداوم کنشگری انتقادی تمامی افراد جبهه انقلابی است. از هم‌اکنون باید ضمن ایجاد اجماع نظری و عملی بر سر لزوم ایفای نقش هدایتگری انتقادی عمومی خاصه نیروهای انقلابی، کار را برای توافق بر سر برنامه‌ای مشخص برای کنشگری از حیث موضوعات و شیوه‌های انجام آن مهیا سازیم. اتخاذ رویه یا رویکرد هدایتگری انتقادی به این معناست که منتخبان نمایندگی یک لحظه از حیث هدایت به سمت تحقق اهداف جبهه و ائتلاف که در واقع اهداف انقلاب اسلامی مطابق با اقتضانات مرحله تاریخی کنونی بالاخص گام دوم است، فارغ نشوند. این هدایتگری خاصه متوجه نظارت و مهار نمایندگان از حیث عدم انحراف از مسیر دستیابی به اهداف این مرحله است. این نظارت و مهار همه‌جانبه باید ناظر بر انطباق با شاخص‌های زندگی معیار یک نماینده انقلابی و عدم تخطی از آن باشد و خاصه وجهی جمعی دارد که باید درصد‌کننده کنشگری نمایندگان در داخل برنامه و اهداف نیروهای جبهه انقلاب باشد. این کنشگری فعالانه و انتقادی عمومی نیروهای پیشرو انقلابی یا صحابی عمومی انقلاب، صرفاً محدود به نظارت و مهار نمی‌شود، بلکه بخش مهم و اصلی آن به هدایت ایجابی نمایندگان از حیث اندیشه‌ورزی، برنامه‌سازی، تدوین سیاست و سیاستگذاری در زمینه‌های مختلف مورد لزوم برای حرکت مجلس در مسیر خود است. از این حیث صحابی عام انقلاب نظیر خود نمایندگان اما در عرصه جامعه و بدون محدودیت‌های رسمی خاص نمایندگان است. هدف و مقصود این است که به‌واقع این گروه نیز نمایندگان عصاره فضایل ملت باشند و تمامی امکانات و ظرفیت‌های موجود در جامعه را از جهت سیاست‌ورزی خاص نمایندگان در اختیار داشته باشند. به این معنا نیروهای انقلابی باید جامعه را به صحن دوم یا پشتیبان مجلس بدل کنند. این راهبرد از طرق مختلف مانند تاسیس کانون‌های اندیشه‌ورزی و تفکر یا سیاستگذاری و برنامه‌ریزی در کنار مجلس قابل تحقق است.

اجمالاً مشخص است که با این کنشگری فعالانه انتقادی، مجلس واجد نیروی محرکه و متفکره‌ای به اندازه ظرفیت عمومی نیروهای انقلابی خواهد شد که نه تنها قابلیت‌ها و توان نظری و عملی آن را چند برابر می‌کند، بلکه جایی برای رخت، روزمرگی، تعلق، سرگردانی، بی‌برنامگی، انحراف یا گمراهی نسبت به مقصد یا اهداف نهایی باقی نخواهد ماند و از این حیث مجلس جدید تحت فشار مثبت نیروهای انقلاب برای حرکت و تلاش درست و اصولی، واجد برنامه‌ها و سیاست‌های مشخص خواهد شد.

در پاسخ به کسانی که این کار را مداخله در کار مجلس تلقی می‌کنند، باید گفت از نظر کلی نقد این افراد بی‌وجه نیست، اما آنچه در این نقد، در نظر گرفته نشده است، اقتضانات شرایط

### گفت‌وگو

تحلیل محمد سمیعی، نویسنده کتاب «نبرد قدرت در ایران؛ چرا و چگونه روحانیت پیروز شد؟» از انقلاب ۵۷:

## روحانیت صاحب‌گسترده‌ترین شبکه اجتماعی و قوی‌ترین سرمایه فرهنگی بود



روحانیت بهترین بستر برای از بین بردن چپگرایی است. محمدرضا به‌همین دلیل در این دوره خیلی از مذهب طرفداری می‌کند. اگر مردم به مسجد بروند دیگر به میتینگ‌های حزب توده نخواهند رفت. البته روحانیت از سیاست دور نگه داشته می‌شود و فقط فضای فرهنگی برای او باز می‌شود. روحانیت به رهبری آیت‌الله بروجردی هم خیلی تمایل به دخالت در سیاست نداشت و به‌همین دلیل رابطه آیت‌الله بروجردی با مصدق و محمدرضا شاه خوب بود. روحانیت در این دوره فضا پیدا می‌کند. مثلاً در سخنرانی‌های رادیو ایران روحانیت را زیاد می‌بینیم و جایزه‌های کتاب سال خیلی از اوقات به کتاب‌های دینی تعلق می‌گرفت. انقلاب اسلامی ایران بعداً روی همین زیرساخت بنیانگذاری شد.»

روحانیت بهترین بستر برای از بین بردن چپگرایی است. محمدرضا به‌همین دلیل در این دوره خیلی از مذهب طرفداری می‌کند. اگر مردم به مسجد بروند دیگر به میتینگ‌های حزب توده نخواهند رفت. البته روحانیت از سیاست دور نگه داشته می‌شود و فقط فضای فرهنگی برای او باز می‌شود. روحانیت به رهبری آیت‌الله بروجردی هم خیلی تمایل به دخالت در سیاست نداشت و به‌همین دلیل رابطه آیت‌الله بروجردی با مصدق و محمدرضا شاه خوب بود. روحانیت در این دوره فضا پیدا می‌کند. مثلاً در سخنرانی‌های رادیو ایران روحانیت را زیاد می‌بینیم و جایزه‌های کتاب سال خیلی از اوقات به کتاب‌های دینی تعلق می‌گرفت. انقلاب اسلامی ایران بعداً روی همین زیرساخت بنیانگذاری شد.»

تطهیر کرده‌اید و او در دوره‌ای دیگر از تاریخ محبوب می‌شود. محمد سمیعی سپس عنوان کرد: «مهم‌ترین قدرت رضاشاه ارتش او بود و متفقین آن را از بین بردند و حیثیت رضاشاه با این کار از بین رفت. یک نیروی سیاسی تازه‌واردی که از زمان مشروطه آمده بود و در این دوره خیلی رشد کرد چپگرها یا همان مارکسیست‌ها بودند. حزب کمونیست ایران ابتدا در باکو تاسیس شد و حیدرخان عموغلی حدود ۶ هزار نفر را در این حزب جمع کرد که اولین کمونیست‌ها از اینجا وارد ایران شدند. البته ترورهایی که در ایران صورت دادند خیلی وجهه آنان را خراب کرد. این خشونت‌ها در سیاست ادامه پیدا می‌کند که یکی از میراث‌های شوم چپگرایی در ایران است.»

برنامه «چراغ مطالعه» با حضور محمد سمیعی، نویسنده کتاب «نبرد قدرت در ایران؛ چرا و چگونه روحانیت پیروز شد؟» و در ادامه قسمت قبلی برنامه، شنبه ۳ اسفندماه از شبکه چهار سیما پخش شد.

محمد سمیعی در ابتدا گفت: «رضاشاه ساختارهای سیاسی تأثیرگذار زمان خود را تغییر داد. عشایر و ایلات را توانست از صحنه به در بکند اما با روحانیت نتوانست مقابله کند. رضاشاه می‌دانست که روحانیت تأثیرگذاری زیادی دارد. وقتی رضاشاه می‌خواست حکومت را جمهوری کند، روحانیت با او مقابله کرد و مساله جمهوریت منتفی شد. رضاشاه می‌دانست برای تثبیت قدرت خود باید روحانیت را تضعیف کند و برای نوسازی، آنها را کنار بزند.»

عضو هیات‌علمی دانشگاه مطالعات جهان افزود: «در زمان قاجار روحانیت ۴ نقش قضاوت، آموزش عمومی، واسطه میان مردم و قدرت و مطرح کردن حرف مردم و دفاع از مردم در برابر ظلم و همچنین ثبت اسناد رسمی را برعهده داشت. بیشترین آمار باسوادها در آن زمان در میان روحانیون بود.»

کوروش علیانی، مجری برنامه گفت: «از پدر بزرگ‌هایمان شنیده‌ایم که آن زمان وقتی می‌خواستند بگویند کسی باسواد است می‌گفتند م‌لاست.»

محمد سمیعی ادامه داد: «رضاشاه با دادگستری، تصویب قانون آیین دادرسی و... نقش قضاوت و ثبت اسناد را از روحانیت گرفت. آموزش عمومی که در مکاتب صورت می‌گرفت با آمدن مدارس و دانشگاه‌ها از روحانیت گرفته شد. مجالس مذهبی را هم سعی کرد از روحانیت بگیرد و دسته‌های سینه‌زنی را جمع کند. همچنین رضاشاه به اسم اینکه باید روی روحانیت کنترلی باشد و هرکسی نتواند لباس روحانیت بپوشد، گرفتن مجوز از دولت را اجباری کرد تا روحانیت را ذیل خود ببرد.»

کوروش علیانی سپس پرسید: «محمدرضا شاه بعد از کودتای ۲۸ مرداد خیلی قدرتی می‌گیرد اما چطور می‌شود که درست در همین زمان قدرت او به‌سرعت کاهش می‌یابد؟»

محمد سمیعی پاسخ داد: «مهم‌ترین عامل قدرتمند شدن شاه، افزایش قیمت نفت در سال ۱۳۵۲ است. در یک سال قیمت نفت چهار برابر می‌شود. اقتصاد آن موقع ایران مانند جیب شاه بود و مجلس و... استقلال نهادهی نداشتند و وابسته بودند. گران شدن نفت، شاه را مغرور کرد و باعث شد بزرگ‌ترین حامی خود که دولت‌های غربی بودند را از دست بدهد. وقتی شاه به‌عنوان کسی که طرفدار گران شدن قیمت نفت است در دنیا مطرح شد، غرب احساس کرد این می‌تواند برای آنها خطرناک باشد و شاهد هستیم رسانه‌های آنها شروع به تخریب شاه ایران می‌کنند.»

کوروش علیانی پرسید: «اینها چه ربطی به انقلاب ایران داشت؟»

مردم ایران که در آن زمان روزنامه‌های خارجی را نمی‌خواندند و شبکه‌های خارجی را نمی‌دیدند!

محمد سمیعی گفت: «اینها را در کتاب توضیح داده‌ام. بحث من این است که شاه بزرگ‌ترین حامی خود را از دست داد. چون در داخل کشور هیچ طبقه‌ای حامی او نبود، وقتی کشورهای حامی او پشتش را خالی کردند آن وقت شاه تبدیل به مهره‌ای شد که خیلی راحت می‌شود او را زمین زد. بلندپروازی شاه خیلی از معادلات داخل کشور را برهم زد و زمینه برای انقلاب اسلامی فراهم شد. در انقلاب تنها یک نیروی سیاسی برنده است و آن هم توده‌ها هستند. در انقلاب، توده‌ها، نخبه‌ها را کنار می‌زنند. در ایران برای اولین بار در نهضت تنباکو، نیروی توده‌ها بیدار شد. روحانیت به‌دلیل داشتن بیشترین نفوذ در توده‌های مردم پیروز شد.»

وی در پایان گفت: «شبکه روحانیت گسترده‌ترین شبکه اجتماعی و قوی‌ترین سرمایه فرهنگی بود. نمادهای روحانیت خیلی عمیق تر بود و وجهه روحانیت هم در زمان رضاشاه ناخواسته تطهیر شد و مجموعه این عوامل در کنار رهبری بسیار هوشمندانه امام خمینی (ره) موجب پیروزی روحانیت شد. این عوامل را مفصل در کتاب توضیح داده‌ام. توده‌ها در انقلاب‌ها همیشه برنده می‌شوند اما نمی‌توانند حکومت کنند، بلکه حکومت را واگذار می‌کنند.»

«چراغ مطالعه»، برنامه‌ای تخصصی در حوزه کتاب است که با نویسندگان ایرانی درمورد آثارشان به گفت‌وگو می‌نشیند. این برنامه شنبه‌ها ساعت ۲۱ روی آنتن شبکه ۴ می‌رود. تکرار این برنامه نیز یکشنبه‌ها ساعت ۱۰ و دوشنبه‌ها ساعت ۱۳ پخش می‌شود.